

چند وقتی بود، دلم می خواست به سرزمین های پر نور جبهه ها بروم که دعوت نیروی زمینی ارتش از خبرنگاران برای بازدید از جبهه های غرب، توفیق این سفر را نصیب من و جمعی دیگر کرد. پیش از سفر در ستاد فرماندهی نیروی زمینی، جلسه ای صمیمانه با حضور امیر پوردستان، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

مدال افتخار

امیر پوردستان طی سخنانی گفت: در محضر شما اصحاب رسانه باید مطالبی را برای شناسایی مختصری از نیروی زمینی عرض کنم. در سال ۶۷ بعد از پذیرش قطعنامه حضرت امام (ره) در پیامی خطاب به نیروی زمینی فرمودند “نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده به حق چهره راستین و شکست ناپذیر خود را در دفاع از مرزهای گسترده کشورمان نشان داد”. این مدال افتخاری بر سینه نیروی زمینی ارتش است که پیشینه این مدال ارزشمند به وقایع ابتدای انقلاب و هشت سال دفاع مقدس برمی گردد. با پیروزی انقلاب، استکبار درصدد ناامن کردن نقاط مختلف کشور بود که مرکز ثقل این نا امنی ها در شمال غرب قرار داشت و اولین یگانگی که سینه به سینه به مقابله با این تهدیدات پرداخت نیروی زمینی ارتش بود. نه اینکه برادران عزیزمان در سپاه نبودند، بلکه سپاه مسئولیت حفظ انقلاب،حفاظت و اطلاعات را برعهده داشت و کمتر به کارهای عملیاتی می‌پرداخت.در آن نا امنی ها بخش عظیمی از هواییروز به منطقه کردستان رفت آنقدر حضور نیروی زمینی فعال و مومنانه بود که فقط در هواییروز ۴۴ شهید تقدیم کردند.

در این شرایط وظیفه نیروی زمینی بود که در مرز مستقر شده و اولین یگانهای نیروی زمینی در ۳۱ شهریور ۵۹ مقابل دشمن تا دندان مسلح ایستادند و تکه تکه شدند، اما جلوی هجوم اولیه دشمن را گرفتند و این فداکاری و رشادت نیروی زمینی تا پایان جنگ ادامه داشت.از میان ۴۸ هزار شهید ارتش ۴۶ هزار شهید متعلق به نیروی زمینی است که این یک افتخار برای ما محسوب می‌شود.

وی همچنین افزود: الحمدلله امروز با توجه به داشتن نیروی انسانی مومن و ولایت مدار و توجه به اصل آموزش که محورِ ترین بحث در ارتقاء آمادگی های رزمی است یگان های نیروی زمینی از قابلیت بسیار خوبی برخوردارند و مرتب مرزها و خارج از مرزها تحت رصد ما قرار دارد و متناسب با تهدیدات ظرفیت های لازم را برای مقابله در خود ایجاد کرده و هیچ وقت به وضعیت امروز خود قانع نیستیم وهمیشه در پی ارتقاء آن هستیم.

آغاز راه

یکشنبه بیستم اسفند سفر آغاز شد. شب بود که وارد کرمانشاه شدیم، نقش کرمانشاه از جمله شهر هایی است که آغاز تلخ جنگ را تجربه کرد. شهر کرمانشاه و مردم غیور و ولایتمدار آن در دفاع از انقلاب و در دفاع مقدس برای مسئولین نظام، مسئولین جنگ و برای ملت ایران آشکار است. به محض رسیدن، ما را برای استراحت به محل اسکان بردند. سنسکوت و آسمان صاف و پرستاره کرمانشاه در برابر شب های شلوغ و آسمان خاکستری پایتخت، نوید سفری خاطره انگیز را می داد.

روز اول سفر

صبح به قرارگاه منطقه‌ای غرب نیروی زمینی ارتش رفتیم آنجا با برادران نیروی زمینی گپی زدیم و در جلسه ای با امیر منوچهر کاظمی فرمانده قرارگاه شرکت کردیم.

امیر کاظمی ضمن تبریک فرا رسیدن سالان نو، با اشاره به نقش رسانه‌ها در مقابله با هجمه و تهاجمات دشمنان گفت:قرارگاه منطقه‌ای غرب نیروی زمینی در سال ۵۹ به فرماندهی شهید شهید صیاد شیرازی و با دستور کار قرار دادن مهم‌ترین عوامل یعنی دفع تهدیدات گروه‌های مرگد و نفوذی تشکیل شد و توفیقات زیادی را به همراه داشته است. مسئولیتی که اصحاب رسانه دارند بسیار سنگین است رسالت شما اصحاب رسانه همانند سربازی است که سلاح به دست گرفته، چرا که قلم شما از سلاح زرمندگان در جنگ کاربردی تر و مؤثرتر است. در اسلام عزیز مقام علم و قلم بسیار با اهمیت است در نتیجه نقش شما و اصحاب رسانه بسیار پررنگ است.

وی با اشاره به حضور نیروی زمینی در عملیات‌های مختلف دفاع مقدس تصریح کرد: حاصل این حضور، تقدیم شش هزار و ۵۵۱ شهید، ۹۹۰ جانباز و ۳هزار و ۹۴۴ آزاده منطقه غرب به انقلاب اسلامی بوده است. منطقه‌ی غرب این افتخار را دارد که در پنج عملیات پدافندی و ۱۸ عملیات آفندی حضور و نقش مؤثری داشته باشد. جنگ از کرمانشاه شروع و در کرمانشاه نیز پایان یافت و این افتخاری است که دلآوردمران نیروی زمینی ارتش با مجاهدت و دفاع از آران‌های انقلاب اسلامی گام



گزارش بازدید از جبهه های غرب

سفر به دیار پهلوانان

■ **سید محمد مشکوة الممالک**



موتری را در جهت پیروزی بر دشمن برداشتمند.

وی همچنین استقرار نیروها در نقاط مرزی را از دیگر ماموریت‌های قرارگاه منطقه‌ای غرب نام برد و گفت: گروه پدافندی ما با بیداری و هوشیاری ازآسمان کشور مراقبت می‌کنند و کلیه آسمان غرب کشور در طول شبانه روز با سیستم‌های نصب شده هوشمند مراقبت می‌شود. امیر کاظمی در ادامه بیان کرد: ما سالیانه با برپایی اردوهای راهبان نور به استقبال مردمی می‌رویم که قصد دارند از مناطق دوران دفاع مقدس بازدید کنند، علاوه بر این ما با برگزاری یادواره های شهیدان در شهرهای مختلف اولین یادبود شهدای ارتش جمهوری اسلامی را در غرب کشور در کرمانشاه برگزار کردیم .

وی در پایان رضایت رهبر عزیز انقلاب از برگزاری مراسم نظامی در حضور ایشان در غرب کشور را از افتخارات بزرگ نیروی زمینی ارتش دانست و خاطر نشان کرد: به گفته فرمانده محترم نیروی زمینی ارتش رهبر عزیز انقلاب اسلامی رضایت ویژه‌ای را از برگزاری مراسم نظامی در کرمانشاه داشته‌اند و این برای ما افتخار است که برای اولین بار مقام معظم رهبری دو بار در مدت حضورشان در کرمانشاه دلآوردمران نیروی زمینی ارتش را هدف تشویق خود قرار دادند.

عقابان آسمان

پس از پایان جلسه به قرارگاه پایگاه یکم رزمی هواییروز منطقه کرمانشاه رفتیم . کنار در ورودی ، نمایشگاه ویژه از آثار و تجهیزات به جا مانده از شهیدان بود که از آن دیدن کردیم.کلاه خلبانی ، لباس و قرآن جیبی شهیدان بزرگوار کشوری و چاغروند به چشم می خورد که مرا بسیار تحت تأثیر قرار داد .

سرهنگ خلیبان یوسف قربانی فرمانده پایگاه یکم رزمی هواییروز درباره تاریخچه تشکیل هواییروز و عملکرد فعالیت های قبل و بعداز انقلاب برپیمان توضیحاتی داد . وی گفت: به جرأت می گویم هرکسی که وارد این پایگاه می شود باید با وضو باشد چرا که این پایگاه مکان شهدای بزرگی است. تاریخچه تشکیل هواییروز در کل کشور به سال ۱۳۴۰ بر می گردد که در آن زمان تصمیم بر آن شد که بهترین خلبان ها به این پایگاه اعزام شوند. می گویم مقدس است چون شهیدان بزرگی دارد ۸۳ شهید والا مقام را تقدیم کشور کرد از جمله شهیدان کشوری، چاغروند، شمشادیان ،صیادشیرازی ،شیرودی و..

وی در ادامه گفت: در تمام عملیات ها هواییروز نقش پشتیبانی

آتش و هلی برن را بر عهده داشت. شکارچی های تانک، رژیم بعثی ارتش زرهی عراق را در مرزهای ایران زمین گیر می کردند.

پس از آن به محل تعمیربالگردها رفتیم. چند جوان را دیدم که در حال تعمیر بالگرد کبری بودند با وجود تحریم هایی که علیه بخش تجهیز هوا نیرووز بالگردها، قطعات و تجهیزات بالگردوجوید دارد اما جوانان ما لحظه ای درنگ نمی کنند و خود آستین همت را بالا زده در مقابل تحریم ها ایستادگی می کنند. سرهنگ بلکن درکه خلیبان و یادگار هشت سال دفاع مقدس با ما همراه شد و بخش های مختلف پایگاه نظامی را توضیح داد. وی گفت : با توجه به تحریم ها حتی یک پیچ ناچیز را هم نمی توانیم وارد کنیم و این به دست خود همین بچه ها ساخته می شود. اینجا بود که به خود بالیدم که در میان غیور مردانی هستم که با تمام سختی های تحریم می سازند ولی تسلیم دشمنان نمی شوند خدا را سپاس که غیرت فرزندان ایران زمان نمی شناسد و جوانان امروزمان نیز همچون رزمنده های زمان جنگ برای سربلندی ای روز بروز از جان خود ماهی می گذارند. از آنجا به ترمینال هوایی رفتیم و با خلبانان عزیز عکس های یادگاری گرفتیم آن ها نیز مهمان نوازی کرده و با روی باز ما را در جمع خود پذیرفتند.

جهنم منافقین

از هواییروز خارج شدیم و ۳۰ کیلومترمبعد از کرمانشاه راهی یادمان شهدای عملیات مرصاد درمنطقه چهارپرز شدیم که به تنگه مرصاد معروف است. تنگه ای که منافقین بعد از پیشروی از اسلام آباد غرب در آن با رشادت های مردم منطقه وخلبانان هواییروز، زمین گیر شده و عملیات فروغ جاویدانشان خاموش شد. در این عملیات شهید صیاد شیرازی نقش به سزایی در اجرا و طرح ریزی عملیات داشت که این



طرح ها توسط خلبانان غیور به اجرا درآمد و خود زمینه ای بر آن شد که منافقین کوردل با توجه به کینه ای که داشتند شهید صیاد را در تهران ترور کنند . در این یادمان پنج شهید گمنام نیز آرمیده بودند ،صدای نوحه زمان جنگ فضا را روحانی کرده بود . مکانی معنوی بود برای خواندن نماز حاجات، عکس هایی را دیدیم از شهدای این عملیات که در حالت های دلخراشی توسط منافقین به شهادت رسیده بودند ،قلب انسان به درد آمده و بغضی گلویمان را می فشرد. حس روحانی عجیبی در آن فضا بود ودل کندن از آن جا برایم دشوار،کاش این لحظه ها جاودان می ماندند و ما هیچ گاه فراموش نمی کردیم.

دیدار با خانواده شهدا

در یادمان مرصاد از دوستان جداشنده و به همراه محمدرضازاده زوارم وشصت ظهیری فرد که ما را بسیار در این سفر یاری کردند به قصد دیدار خانواده شهید جواد عسگری راهی منطقه اسلام آبادغرب واقع در غرب کرمانشاه شدیم. پس از آن به دیدار خانواده شهید علی قلندریان در شرق کرمانشاه منطقه هرسین رفته و با آنان گفت وگو کردیم. در حال برگشت به محل استقرار خود بودیم ساعت ۹شب ، که آقای نوراللهی مسؤل اداره ایثار گران کرمانشاه تماس گرفت و گفت برای مصاحبه با خانواده یکی از شهدای شاخص منطقه به نام سرلشکر شهید حسین ادیبان هماهنگ کرده اند ، به آنجا رفتیم و گفت وگویی ما با این بزرگواران تا نزدیک نیمه شب ادامه داشت.پس از آن راهی محل اسکان شدیم تا استراحت کرده و جهت برنامه فردا آماده شویم.



هفت سین نظامی در پادگان ابودر

روز دوم، صبح زوده، راهی سر پل ذهاب شدیم. به منظور بازدید از نقاط مرزی کشور و مناطق عملیاتی از کرمانشاه به سمت پادگان ابودر آمدیم. در بین راه از ارتفاعات امامیه و سگان که جاده هایی پر پیچ و خم دارد گذشتیم و به پادگان ابودر رسیدیم. چه منظر زیبا و بی نظیری بود که از دیدن آن بسیار مشغوف می شدی اما پس از آن مواجهه با پادگان ابودر یا دگوهه ی غرب ریزیی جاده را از یادت می برد و یاد حکایت تلخ روزهای بمباران های هوایی می افتی . یادت می آید که جنگنده های عراق بمب های خود را بر پادگان ابودر و مردم بی گناه این منطقه فرود آوردند . در روزهای جنگ، این پادگان شاهد صحنه‌های بسیاری از رشادت و دلیری بود. پادگان ابودر خود از نزدیک شاهد رزم بی‌امان بزرگ مردان عاشق بوده‌ است و تا نری کش‌های بسیاری ادر بدن به یادگار دارد . پادگانی که همچون مردان جنگ مظلوم است.

با رسیدن ما به آن منطقه مسئولین پادگان زحمت کشیده و گوسفندی را به یمن ورود اصحاب رسانه قربانی کردند.سپس در مراسمی فرمانده تیب ۷۱ پیاده مکانیزه ابودر امیرسرتیپ علی جلیلیان پور ضمن

صفحه ۸
یک شنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۱
۵ جمادی الاول ۱۴۲۴ – شماره ۲۰۵۵۶



خبر مقدم به ما درباره اهمیت پادگان ابودر در جبهه های غرب و نقش پشتیبانی آن توضیحاتی را دادند و گفتند که اعزام نیروهای ارتش، سپاه و سیپج از این پادگان بوده ونزدیک ترین پادگان به مرز عراق است. در آنجا از دفتر کار شهید شیرودی و بیمارستان صحرايي ولیعصر(عج) دیدن کردیم.

همچنین به محوطه پادگان رفته و مشاهده کردیم سربازهای این جا کنار مزار شهدای گمنام سفره هفت سینی چیده اند که سین های آن سیم خاردار، سنجد، سبزه، سرسینه، سیم چین ،درجه سربازی وسپه بود با آنها عکس یادگاری گرفتیم و کنار سفره ی هفت سینشان پیشاپیش برای سربلندی ایران عزیز دعا کردیم.

به تیب ۳۵ مستقل تکاوران رفته و در حال تماشای اجرای عملیات تکاوری بودیم که شامل عبور از حلقه های آتش،آمادگی رزمی ،اجرای سرودهای حماسی وهمچنین کارگاه آشنایی با زندگی در شرایط سخت توسط سربازان ارتش به نمایش گذاشته شد. این سربازان زیر نظر فرمانده سرهنگ کیومرث پروینی به اجرای برنامه های خود پرداختند در مجموع یگان های تکاور سربازانی با آمادگی رزمی بالا بودند که در آخر برنامه با تشویق اصحاب رسانه رو به رو شدند.

از آنجا به ارتفاعات انگرگان رفتیم.نقطه صفر مرزی،آنجا نیز سربازان سفره هفت سین آماده کرده بودند تابه همراه فرماندهان خود سال نو را به دور از خانواده آغاز کنند وبه عشق مرزداری از ایران اسلامی از تمامیت ارزی دفاع کننداز ارتفاعات برگشته، به خانواده شهید خان محمدی که ۱۶ عزیز از نزدیکان خود را در دوران دفاع مقدس از دست داده و جانباز، قطع نخاعی آقای محمدی سر زده وبا آنان گفتگو کردیم.این چنین بود که روز دوم سفر هم به پایان رسید.

تنها پسر من قهرمان نبود...

روز پایانی سفر به ستاد لشکر زرهی کرمانشاه رفتیم ، در جلسه ای که با امیر سرتیپ حاجیلو داشتیم وی درباره نقش ارتش در دفاع مقدس گفت: نقش ارتش در عملیاتی که در ابتدای جنگ انجام یافت بسیار مؤثر بود.این عملیات خوارزم یا ضربت ذوالفقار نام گذاری شده بود که با رمز یا ابا عبدالله الحسین (ع) وبا هدف آزادی بخشی از مهبان اسلامی و انهدام نیروهای دشمن در ارتفاعات مرزی میمک با دلآوری های نیروی زمینی ارتش و نیروهای مردمی چون عشایر خزل به پیروزی رسید. امیر حاجیلو تصریح کرد که عملیات مرصاد با نام سپهد امیر صیاد شیرازی برای همه ایرانیان یادآور خاطرات پایان جنگ و تحقیر منافقین است. در این جلسه نیروهای ای ارتش حضور داشته و با کرمانشاه را و خوارزم خاطراتی را نقل کردند ، از سختی های مبارزه همچون نسود تجهیزات،نبود خوراک و تغذیه و...درگیری با نیروهای بعثی عراق در ارتفاعات میمک گفتند. پس از این جلسه که نقطه پایان سفر ما بود تصمیم گرفتیم آخرین ساعات حضورم در کرمانشاه را و دیدار خانواده های شهیدان محسن خانه آباد و محمود تیرانداز مزین کم.غروب بود و کم کم باید بار سفر بسته و از آن جبهه های مظلوم غرب خداحافظی می کردیم. با دیدن عکس شهدا که شهر کرمانشاه را منور کرده بودند یاد حرف پدر شهید تیرانداز افتادم که می گفت تنها پسر من قهرمان نبود بلکه تمام شهدای کرمانشاه قهرمان و پهلوانند...

جنوب غرب، در فصل راهبان نور یعنی همین روزها، شور و نشاط خاصی دارند! گویی چون همپاندان مردم غیور ایران هستند و قرار است مصداق عینی دلآوران حماسه ساز دفاع مقدس و راوی سلحشوری آنها باشند، جنب و جوش و روحیه ای متفاوت دارند!

✽ **امیر ، فرمودید هیچ عیدی نشد که لحظه تحویل سال، در کنار خانواده باشید. چه اتفاقی می افتد وقتی یک فرمانده، این همه سال، اولین لحظه بهار در کنار نیروهای خود حضور دارد؟**

– احساس می کردم این سربازان بچه های من هستند و خانه واقعی

من به عنوان یک سرباز، همین پادگان و سنگرهایی است که دور هم جمع می شویم. نمی دانم قطور بگویم انگار حسی غریب مرا به کنار آنها می کشاند و وقتی دعای تحویل سال را با آنها می خوانم، وجودم را نوعی لطافت دربر می گیرد. برای همین معمولا آنها شب عبید سفره هفت سین می چینهندو بعد از لحظه تحویل سال و شنیدن فرمایشان مقام معظم رهبری، داعبای می خوانند و شیرینی و ...ا گویی معنویت و شادی به نوع خاصی ابراز می شدا.

✽ **عیدی هم می دادید امیر؟**

– بله! بدون عیدی که نمی شود! باتوجه به وسعمان هرچند ناقابل تقدیم این عزیزان می شود. اتفاقا بسیاری از یگان ها بخاطر همین عیدی، دوست دارند که لحظه تحویل سال در کنار آنها باشیم و وقتی دعا تمام می شود و کمی می گذرد، تا احساس می کنند دارد دیر می شود، شروع

می کنند و صلوات فرستادن که یعنی عیدی را بدیم!

✽ **خاص ترین عیدی که دوست دارند سربازان از شما بگیرند، چیست؟**

– پَسول نو که برای تبرک بین صفحات قرآن می گذاریم، که جزو مرسومات است! ولی شیرین ترین عیدی که دوست دارند به آنها بدیم، مرغخی است! حالا با مرغخی تشویقی و با بخش اضافه خدمت!

✽ **به یادمانندی ترین سال تحویل شما کدام بود؟**

– با مساعاتی را که پیش سربازان در لحظه تحویل سال بودیم، ساعات به یادمانندی و شیرینی بود. ولی یادم هست حدود سالهای ۶۲ و ۶۳(سالش را دقیق به خاطر نمی آورم) ما در حاشیه هورالهوریه بودیم. خیلی سال تحویل متفاوتی داشتیم! می دانید باران ها در خوزستان به خصوص در اوائل جنگ به صورت سیل آسا می بارید و حتی گاهی خسارت های سنگینی به بار می آورد. آن سال ، سال تحویل دم غروب بود و عصر، باران نم نم شروع به باریدن کرد. نزدیک تحویل سال که شد، شدت باران به حدی شد که نه تنها سفره هفت سین زیر آب رفت؛ بلکه تمامی مواضع ما دچار سیل گرفتگی شد و به جای وضو در لحظه تحویل

سال، به راحتی می شد غسل شهادت کرد!

✽ **امیر خیلی خوشحال شدید که وقتتان را به ما اختصاص دادید. کلام آخر را شما بفرمایید.**

– من هم تشکر می کنم و سال خوبی را برای شما آرزو می کنم و سال نو را به همه سربازان اسلام پیشاپیش تبریک عرض می کنم.